

بررسی اثرات سیاست پولی بر عرضه تسهیلات قرض الحسنه در نظام بانکی ایران

محمد واعظ برزانی^۱

احسان شاهمردادی ورنامخواستی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

چکیده

قرض الحسنه به عنوان یک رفتار اقتصادی برگرفته از حاکمیت ارزش‌های اسلامی است و از انگیزه‌های معنوی و اخروی آحاد مردم است که چندی است مورد توجه قرار گرفته است. آنچه از ظاهر برخی روایات برمی‌آید این است که قرض گرفتن امر ناپسندی است مگر این‌که در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری انسان استفاده شود. در نظام مالی اسلامی، قرض الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله‌ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین‌های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است. سیاست‌های پولی از مجراهای مختلفی مانند مجرای وام‌دهی، بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارند. کارکرد مجرای وام‌دهی بانکی بدین صورت است که کاهش حجم پول (سیاست پولی انقباضی) موجب کاهش سپرده‌های بانکی می‌شود و بدین ترتیب قدرت وام‌دهی بانکی کاهش می‌یابد. کاهش وام‌های بانکی به کاهش فعالیت‌های اقتصادی منجر شده، کسب و کارها و مصرف‌کننده‌هایی را که به وام‌های بانکی متکی بوده و نمی‌توانند وجوه مورد نیاز خود را از منابع دیگر تأمین نمایند، وادار می‌کند تا از خرید کالاهای بادوام و دارایی‌های سرمایه‌ای صرف نظر کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های واقعی اقتصادی رو به کاهش می‌گذارد و لذا تولید ملی کاهش می‌یابد. در این مطالعه، کارکرد مجرای وام‌دهی بانکی و به عبارت دیگر، تأثیر سیاست‌های پولی بر اعتبارات اعطایی قرض الحسنه بانک‌ها طی سال‌های (۹۱-۱۳۸۰) تحلیل شده است این کار با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM^T) و آزمون فرضیه مربوطه انجام شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد سیاست پولی انبساطی دارای تأثیر مثبت بر مانده تسهیلات اعطایی قرض الحسنه بانک‌ها است. بنابراین وجود مجرای وام‌دهی سیاست پولی در ایران تأیید می‌شود.

واژگان کلیدی: قرض الحسنه، سیاست پولی، مجرای وام‌دهی، نرخ ذخیره قانونی، عملیات بازار باز

طبقه‌بندی JEL: E49, G39, G30, H79

۱. دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) Mo.vaez1340@gmail.com

۲. کارشناسی‌ارشد بانکداری اسلامی مؤسسه آموزش عالی راغب اصفهانی Ehsan_shahmoradi@yahoo.com

3. Generalized Method of Moments

مقدمه

نظام اقتصادی اسلام برای مقابله با رباخواری شیوه‌ای جایگزین نموده تا کسانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند بتوانند از عهده آن برآیند. در این شیوه که پاداش اخروی مدنظر است تلاش شده تا نابرابری‌های درآمدی از بین برود. بنابراین، نظام اقتصادی اسلام نهاد قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمدها قرار داده است. قرض الحسنه‌ای که از آن به وام نیکو تعبیر شده است و در قرآن و روایات تأکید فراوانی به آن شده است با هدف رفع نیازهای اساسی افراد می‌باشد تا با فراهم نمودن شرایط و ابزارهای مناسب بتوان در جهت گردآوری وجوه و دادن قرض الحسنه به نیازمندان گام برداشت. سیاست‌های پولی از اهمیت ویژه‌ای در اقتصادهای در حال گذار برخوردارند. چگونگی تنظیم سیاست‌های پولی و استفاده از ابزارهای پولی، به یقین بر عملکرد اقتصادهای مزبور و عبور موفقیت‌آمیز از مرحله گذار، تأثیر شگرفی خواهد داشت. سیاست‌های پولی از طریق مجراهای مختلفی، اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند که مهم‌ترین این مجراها عبارتند از:

۱. مجرای نرخ بهره^۱

۲. مجرای نرخ ارز^۲

۳. مجرای اعتباری^۳

در مقاله حاضر، سازوکار انتقال سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی بانکی مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، کارکرد مجرای وام‌دهی بانکی بدین صورت است که کاهش حجم پول (سیاست پولی انقباضی) موجب کاهش سپرده‌های بانکی شده و بدین ترتیب قدرت وام‌دهی بانک‌ها کاهش می‌یابد. با کاهش وام‌های بانکی، سرمایه‌گذاری کاهش یافته و لذا تولید ملی کاهش می‌یابد. از این رو در این مقاله، تأثیر سیاست‌های پولی بر اعتبارات اعطایی قرض الحسنه بانک‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به این که ماهیت نظام بانکداری کشور بر مبنای اسلامی بوده و این نظام متفاوت از نظام بانکداری غیراسلامی است، لذا کاربرد ابزارهای سیاست پولی در این دو نظام، تفاوت‌هایی با یکدیگر خواهند داشت. بنابراین مطالب مقاله حاضر به صورت زیر سازماندهی شده است: پس از مقدمه در قسمت دوم مقاله مبانی قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم به بررسی مبانی نظری سازوکار انتقال سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی بانکی پرداخته خواهد شد. در بخش چهارم، مروری بر برخی مطالعات انجام شده در خصوص سازوکار انتقال سیاست پولی با استفاده از مجرای وام‌دهی بانک صورت خواهد گرفت. در

1. Interest Rate Channel

2. Exchange Rate Channel

3. Credit Channel

بخش پنجم، الگوی اقتصادسنجی مورد استفاده در این تحقیق برای بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم تسهیلات قرض الحسنه بانکها معرفی شده و روش برآورد الگو بیان می‌گردد. در بخش ششم مدل مزبور تخمین زده شده و نتایج حاصل از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در بخش آخر جمع‌بندی مطالب و پیشنهادات نیز مطرح خواهد شد.

۲. مفهوم قرض الحسنه

قرض در لغت به معنای قطع کردن با دندان است و زمانی که گفته می‌شود فردی به فرد دیگر قرض داده است یعنی مالی را که او می‌طلبد از خود جدا نموده و به او عطا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ماده قرض). در اصطلاح فقهی قرض به معنای این است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند، البته به این صورت که قرض گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مانند آن و یا قیمت آن ضامن شود و تعهد نماید (امام خمینی، ۱۳۶۵، ص ۶۰۲). اما قرض ربوی قرضی است که در آن زیاده شرط شده باشد و در اسلام چنین قرضی جایز نیست (هادوی نیا، ۱۳۸۰، ص ۸۴)، زیرا ربا محسوب شده و دادن آن حرام است. مکتب اقتصادی اسلام برای جلوگیری از شیوع چنین عمل ناپسندی، قرض الحسنه را به عنوان بهترین روش جایگزین برای ربا جهت استفاده افرادی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است تا ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام نمایند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

قرض الحسنه از عقود معوق است که به واسطه آن مالی از ملکیت قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود و در مقابل، ذمه قرض‌گیرنده به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال مشغول می‌شود (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱، ص ۲۳). قرض الحسنه همان وام نیکو است که قرآن از آن در آیات گوناگون یاد نموده است و مقصود از قرض الحسنه دادن به خدا، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به خاطر خدا داده شود و می‌توان که همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی قرض الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵).

نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به قرض الحسنه دارد و مردم را به دادن قرض الحسنه تشویق می‌کند. چنانچه مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن کنند از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نزدیک‌تر می‌شویم (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲-۱. قرض الحسنه اعطایی

در بخش تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا، افزون بر عقودی که به منظور انتفاع به کار می‌گیرد، بخشی از وجوه خود را نیز در قالب قرض الحسنه به متقاضیان اعطا می‌کند. طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات قرض الحسنه در موارد ذیل پرداخت می‌شود:

الف. تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار جهت کسانی که فاقد این گونه امکانات هستند در شکل تعاونی

ب. کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی

ج. رفع نیازهای ضرور

اعطای قرض الحسنه در خصوص بند الف، طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرایی، به شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی به منظور ایجاد کار اختصاص می‌یابد.

اعطای قرض الحسنه مذکور در بند ب، به کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور کمک به افزایش تولید اختصاص می‌یابد.

اعطای قرض الحسنه، در خصوص بند ج، «رفع نیازهای ضرور اشخاص حقیقی»، موارد ذیل را متضمن است:

هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیر و تأمین مسکن، کمک هزینه تحصیلی، کمک برای ایجاد مسکن در روستا و رفع نیازهای متفرقه.

۲-۲. آثار قرض الحسنه

تشریح و تأثیر نهاد قرض الحسنه بر متغیرهای مهم اقتصادی به وضوح اهمیت آن را بیان خواهد کرد. از این رو، این قسمت از نوشتار به اختصار به بررسی نقش قرض الحسنه بر مصرف و توزیع درآمد اختصاص خواهد یافت.

۲-۱-۲. قرض الحسنه و مصرف

مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی، معمولاً به عنوان یکی از پیامدهای عمده توزیع مجدد سریع درآمدها در نظر گرفته می‌شوند. این مسأله می‌تواند در مورد قرض الحسنه نیز رخ دهد. چنان‌چه مبلغ پرداخت شد به قرض گیرنده در جهت تأمین کالاهای مصرفی وی هزینه گردد باعث افزایش تقاضا می‌گردد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که قرض‌دهندگان در صورت عدم پرداخت قرض، کم‌تر به مصرف مبلغ قرض اقدام کنند و بیش‌تر به پس‌انداز مبلغ مزبور بپردازند. اما از آن‌جا که قسمت اعظم نیازهای مصرفی نیازمندان را کالاهای ضروری تشکیل می‌دهند، می‌توان انتظار داشت که افزایش تقاضا بیش از همه در کالاهای ضروری دیده شود. بنابراین از این‌که ممکن است کمک‌های قرض الحسنه در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت‌ها گردد باید هراسان بود. البته میزان اولیه این

تقاضای اضافی بسته به میزان ترکیب تقاضاست که بر اثر ترکیب درآمدها صورت گرفته است. به این معنی که برای هر میزان توزیع درآمد معین، مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی با توجه به تفاضل میل نهایی به مصرف کسانی که از توزیع مجدد سود برده‌اند و کسانی که از این امر زیان دیده‌اند تغییر خواهد کرد (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷، صص ۲۳-۲۴).

ادامه نتایج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه علاوه بر این که باعث تثبیت تقاضا می‌گردد انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری بیش‌تر در تولید کالاهای ضروری را افزایش می‌دهد (راهب، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶) و حتی به دلیل کاهش تقاضای کالاهای لوکس، بسیاری از منابع تولید کالاهای مزبور به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده می‌شود. آثار القایی افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری و هم‌چنین کاهش تقاضای کالاهای لوکس نتایج زیر را در بر دارد:

۱. با توجه به این که کالاهای ضروری در مقایسه با کالاهای لوکس از نسبت کاربری بیش‌تری برخوردارند و برخلاف کالاهای لوکس که بیش‌تر وارداتی هستند، عمدتاً در داخل کشور تولید می‌شوند؛ می‌توان انتظار داشت با افزایش تولید این کالاها، اشتغال به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

۲. با ادامه این روند الگوی تولید کشور متناسب با نیازهای کشور جهت پیدا می‌کند (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲).

۳. بخشی از درآمدهای ارزی کشور که صرف واردات کالاهای لوکس می‌شد، صرفه‌جویی می‌شود و تراز پرداخت‌ها بهبود خواهد یافت.

۴. در چنین شرایطی تغییر الگوی تولید آثار ثانویه‌ای خواهد داشت که در جهت برابری توزیع درآمد عوامل تولید و تقویت آثار اولیه انتقال درآمد به وسیله قرض‌الحسنه، عمل خواهد کرد.

۲-۲-۲. اثر قرض بر توزیع درآمد

نگاهی به توزیع درآمد در نظام سرمایه‌داری نشان می‌دهد که این توزیع درآمد در دو سازوکار صورت می‌گیرد:

- سازوکار بازار که سهم هر یک از سرمایه، کار و زمین به عنوان عوامل اساسی تولید از طریق عرضه و تقاضای آن در بازار تعیین می‌شود.
- سازوکار غیربازار که عدم تعادل‌های ناشی از سازوکار بازار، دولت‌ها را ناچار به مداخله از طریق توزیع مجدد درآمدها می‌نمود.

توزیع مجدد درآمدها موجب انتقال بخشی از درآمدهای اخذ شده در دو جهت عمودی و افقی می‌شود. توزیع مجدد درآمدها در جهت عمودی انتقال بخشی از درآمد طبقات ثروتمند به طبقات کم‌درآمد است، اما توزیع مجدد درآمد در جهت افقی در داخل خود گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد

صورت می‌گیرد. برای این که توزیع مجدد درآمد دارای آثار مثبتی باشد لازم است منجر به انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج آن در اقتصاد ملی گردد و نیز عرضه محصولات مورد تقاضا دارای کشش‌پذیری لازم بوده باشد تا موجب افزایش قیمت نگردد. همچنین، توزیع مجدد درآمد نباید سبب انتقال اختیارات درآمد و ثروت افراد به دولت شود بلکه باید وسیله تأمین هزینه استهلاك نیروی انسانی و بهبود کارایی آن و رفاه گروه‌های کم‌درآمد گردد. به طور کلی، اجرای سیاست‌های توزیع مجدد درآمد تحت شرایط فوق همیشه مفید و مؤثر و در جهت عدالت اجتماعی خواهد بود (منتظر ظهور، ۱۳۶۷، ص ۲۶۶).

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند؛ از این رو در این مکتب عنایت ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن می‌کنند می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

در اسلام مردم تشویق به دادن قرض‌الحسنه شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آن‌ها پیوند ایجاد شده است. اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند. قرض‌الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنانچه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شویم. در قرض‌الحسنه ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پیش‌بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می‌توان گفت: در قرض‌الحسنه نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند زمانی در تحقق عدالت اجتماعی آثار مثبت از خود برجای می‌نهد که با کشش‌پذیری عرضه و قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، در زمینه کالاهای ضروری همراه باشد؛ وگرنه با بالا رفتن تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی می‌یابد و آثار توزیعی قرض خنثی می‌شود. با توجه به اهداف دولت اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی، دولت موظف است چنین قابلیت‌هایی را پدید آورد. طبق اصل پیگو و براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پر درآمد از مطلوبیت کم‌تری برخوردار است. در مقابل آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم درآمد از مطلوبیت بیش‌تری برخوردار است؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا

شدن بخش مزبور از درآمدهای شان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند (دادگر، ۱۳۸۰، ص ۳۳). حال با توجه به پاداش معنوی‌ای که برای قرض‌الحسنه در نظر گرفته شده است، ثروتمندان انگیزه بیش‌تری در پرداخت قرض‌الحسنه از خود نشان می‌دهند. پرداخت قرض‌الحسنه در این شرایط ضمن این‌که مطلوبیت کل جامعه از افزایش می‌دهد، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را به دنبال خواهد داشت. آن‌چه که در قرض‌الحسنه اهمیت پیدا می‌کند نقش بیش‌تر بخش خصوصی و اتکای کم‌تر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است در واقع نهاد قرض‌الحسنه را می‌توان جزء نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست. در این نهاد قرض‌گیرندگان کسانی هستند که اولاً؛ به پول یا سرمایه غیرنقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً؛ قدرت بازپرداخت قرض خود در آینده را دارند. برخلاف صدقه گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به هیچ وجه ندارند. قرض‌دهندگان نیز کسانی هستند که با مازاد درآمد روبرو بوده و مایلند بدون انگیزه سود، منافع این مازاد را ایثار کنند. قرض‌دهندگان هم‌چنین می‌توانند شامل کسانی باشند که از توان مالی لازم برای قرض دادن برخوردار نیستند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و همیاری، امکان قرض دادن را فراهم می‌آورند. بر این اساس این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی، وضع شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

۳. سازوکار انتقال سیاست پولی^۱

مفهوم سیاست پولی، اتخاذ تدابیری به منظور کنترل و تنظیم حجم پول در گردش است. بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی که در دست دارد، به این مهم اقدام می‌کند. اما نکته مهمی که باقی می‌ماند تعیین این موضوع است که سیاست پولی اتخاذ شده، با استفاده از چه سازوکاری بخش حقیقی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مورد، در مباحث اقتصاد کلان، چندین سازوکار انتقال که اثرات سیاست پولی را به بخش‌های حقیقی اقتصاد منتقل می‌کند وجود دارد. در ادامه به بررسی سازوکار انتقال سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی بانکی پرداخته می‌شود.

۳-۱. مجرای وام‌دهی بانکی^۲

طبق مجرای وام‌دهی بانکی فرض می‌شود اعتبارات بانکی منبع اصلی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند، حال آن‌که بنگاه‌های بزرگ می‌توانند به طور مستقیم از طریق انتشار سهام و اوراق قرضه، به بازارهای اعتباری دسترسی داشته باشند. بنابراین اعتبارات نقش مهمی در انتقال و

1. Transmission Mechanisms of Monetary Policy

2. Bank lending channel

ایجاد ارتباط بین بخش پولی و مالی و بخش واقعی اقتصاد بازی می کنند. اثرگذاری سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی بانکی مورد توجه ویژه‌ای در مطالعاتی همچون برنانکه و بلایندر^۱ (۱۹۹۲)، برنانکه (۱۹۹۳)، برنانکه و گرتلر^۲ (۱۹۹۵)، میشکین^۳ (۱۹۹۵)، و تیلور^۴ (۱۹۹۵) قرار گرفته است. برنانکه و گرتلر (۱۹۹۵) اعتقاد دارند که یک سیاست پولی انقباضی که باعث کاهش در وام‌دهی بانک‌ها می‌شود، باعث یک کاهش پایدار در قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌شود. همچنین برنانکه و بلایندر (۱۹۹۲) نشان دادند که سیاست پولی انقباضی، سبب کاهش غیرمستقیم مخارج از طریق کاهش عرضه وام بانکی می‌شود. زیرا انقباض‌های پولی، سپرده‌ها را در سمت بدهی‌های ترازنامه بانک‌ها کاهش خواهد داد. با فرض اینکه وام‌ها و اوراق بهادار در سمت دارایی‌های ترازنامه بانک‌ها جانشین ناقص یکدیگر باشند، بانک‌ها تمایل به جذب کامل زیان‌های سپرده از طریق کاهش نگهداری اوراق بهادار را نخواهند داشت در نتیجه تحت چنین شرایطی انقباض پولی باعث کاهش عرضه وام‌های بانکی خواهد شد. هنگامی که سیستم بانکی نقش مهمی را در انتقال سیاست پولی و اودار تجاری بازی می‌کند، مجرای وام‌دهی بانک نیز بر دیگر مجراهای اعتباری غالب خواهد شد. با این فرض که سیاست پولی انقباضی نه تنها سپرده‌ها و بدهی‌های بانک‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه سبب کاهش در عرضه وام‌های بانکی خواهد شد، این مجرا بر طرف دارایی‌های ترازنامه بانک‌ها تمرکز دارد. این نظریه همچنین بر اثر معکوس این مجرا در بین بانک‌ها با اندازه‌های متفاوت تأکید دارد. این اثر بر این امر دلالت دارد که انواع قرض‌گیرندگان برای اطلاعات نامتقارن و اصطکاک اطلاعاتی در بازار وام اهمیت قائل هستند. مجرای وام‌دهی بانک یکی از راه‌های مهم انتقال سیاست پولی بانک مرکزی است. هنگامی که بانک‌ها با یک سیاست پولی سخت‌گیرانه (انقباضی) روبه‌رو هستند، قادر نیستند تا وجوه قابل وام‌دادن از دست رفته خود را به طور کامل جایگزین نمایند، آن‌ها مجبور می‌شوند که میزان وام‌های اعطایی خود را کاهش دهند، که این امر نیز متعاقباً از طریق سازوکار زیر بخش واقعی اقتصاد را متأثر خواهد نمود: اعمال یک پولی انقباضی در عرضه پول توسط بانک مرکزی، سپرده‌های بانکی را کاهش داده و بانک‌ها را مجبور به کاهش وام‌دهی می‌نماید. کاهش وام‌های بانکی به کاهش فعالیت‌های اقتصادی منجر شده، کسب و کارها^۵ و مصرف‌کننده‌هایی را که به وام‌های بانکی متکی بوده و نمی‌توانند وجوه مورد نیاز خود را از منابع دیگر تأمین نمایند، وادار می‌کند تا از خرید کالاهای بادوام و دارایی‌های سرمایه‌ای صرف‌نظر کنند و

1. Bernanke & Blinder
2. Bernanke & Gertler
3. Mishkin, F.S
4. Taylor
5. Business

در نتیجه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های واقعی اقتصاد رو به کاهش می‌گذارد (نظریان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

۴. مروری بر مطالعات انجام شده

الف. مطالعات داخلی

رضائی و جلیلی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نگرشی بر تأثیر سیاست پولی از مجرای اعتبارات سیستم بانکی در اقتصاد ایران» با استفاده از شاخص‌ها و متغیرهای بانک‌های تجاری و تخصصی کشورمان در دوره ۱۳۸۸-۱۳۷۹ و با بهره‌گیری از روش گشتاورهای تعمیم یافته به بررسی اثرگذاری سیاست‌های پولی از طریق مجرای اعتبارات نظام بانکی در بستر ادوار تجاری اقدام نموده‌اند. آن‌ها نشان دادند که مجرای وام‌دهی بانک در نظام بانکی ایران با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌های بانک‌ها مانند اندازه و نقدینگی، سازوکار انتقال سیاست پولی را فراهم می‌کند.

لطفی و تقوی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲»، که با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی انجام گرفته، ضمن تبیین چارچوب بانکداری در دو نظام عملیاتی بانکی ربوی و نظام عملیات بانکی بدون ربا به بررسی وظایف بانک مرکزی در نظام‌های مذکور و نیز مبانی نظری سیاست‌های پولی و سازوکار انتقال ابزارهای آن در دو نظام عملیات بانکی ربوی و نظام بانکی بدون ربا پرداخته‌اند. براساس نتایج برآورد الگوی این مقاله، نرخ رشد مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به افزایش نرخ سپرده‌ی قانونی عکس‌العمل منفی نشان داده و مقدار آن کاهش یافته است.

حقیقی (۱۳۸۵)، در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مدل‌سازی مکانیسم انتقال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا (مورد ایران) با روش گشتاورهای تعمیم یافته» انجام گرفته، به بررسی مجرای اعتباری در سازوکار انتقال پولی در ایران پرداخته است. نتایج مدل حقیقی در جهت تأیید وجود یک مسیر انتقال سیاست پولی اعتباری قوی از کانال عرضه‌ی تسهیلات بانکی است. براساس یافته‌ی وی، با یک واحد افزایش در شاخص سیاست پولی در ایران، رشد عرضه‌ی تسهیلات بانکی در کشور به میزان ۰/۴۳ افزایش می‌یابد. یافته حقیقی در جهت تأیید وجود یک مسیر اعتباری در سازوکار انتقال پولی در ایران است.

ب. مطالعات خارجی

سنگونول و توربک^۱ (۲۰۰۵) در ترکیه این موضوع را که آیا سیاست پولی انقباضی عرضه وام‌های بانکی را کاهش می‌دهد بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که کاهش عرضه پول حتماً

1. Sengonul and Thorbeck

عرضه وام‌های بانکی در ترکیه را کاهش می‌دهد. به نحوی که احتمالاً افزایش نرخ‌های بهره، طی یک دوره بحران تراز پرداخت‌ها ممکن است ضد تولید باشد. چنین سیاستی ممکن است نیازمند جذب سرمایه و تقویت نرخ از را باشد. رکود اقتصادی ناشی از این سیاست ممکن است سبب کاهش اعتماد سرمایه‌گذار و تشدید بحران شود.

والدراما^۱ (۲۰۰۱) در مقاله خود به بررسی مجرای اعتباری از سازوکارهای انتقال سیاست پولی در اتریش پرداخته است. در این مطالعه تأثیر سیاست پولی بر عملکرد بنگاه‌ها به دلیل متأثر شدن بانک‌ها، از سیاست پولی، از طریق مجرای اعتباری مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل از این مطالعه، حاکی از وجود مجرای اعتباری در اتریش است و همین امر موجب می‌شود که اجرای سیاست پولی سختگیرانه، محدودیت تأمین مالی بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد.

لئوناردو گامباگورتا^۲ (۱۹۹۸) در این مطالعه به بررسی وجود سازوکار انتقال سیاست پولی از طریق مجرای اعتباری در ایتالیا پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که اندازه بانک‌ها در عکس‌العمل آن‌ها نسبت به این اثرات، تأثیری ندارد هرچند در مورد وام‌دهی این اثرات اعمال می‌شوند. بانک‌های کوچک نسبت به بانک‌های کوچک نسبت به بانک‌های بزرگ در برابر تکانه‌های سیاست پولی حساس‌تر نمی‌باشند.

لئو دی هان^۳ (۱۹۹۷) در مقاله‌ی خود به بررسی کانال اعتباری در هلند پرداخته است. این مطالعه یک تحلیل تجربی از نقش بانک‌ها در فرآیند انتقال سیاست پولی در هلند ارائه می‌دهد. مقاله مورد نظر به شواهد تجربی و عینی مجرای وام‌دهی بانک در هلند می‌پردازد. نتایج به دست آمده برای تأمین وام نشان می‌دهد که مجرای وام‌دهی در هلند مؤثر است. اما به شرطی که بین وام‌های با تضمین دولتی و بدون تضمین دولتی تمایز قائل شد. به ویژه نمونه‌ها و شواهدی وجود دارد که مجرای وام‌دهی فقط برای وام بانکی تضمین نشده مؤثر است.

پژوهش حاضر از چند جهت با مطالعات قبلی تفاوت دارد. تفاوت اول این است که در این مطالعه علاوه بر نسبت ذخیر قانونی از میزان انتشار اوراق مشارکت به عنوان شبه عملیات بازار باز که مهم‌ترین ابزار سیاست پولی در بانکداری کلاسیک است، استفاده شده است. تفاوت دوم، استفاده از تسهیلات قرض‌الحسنه در مطالعه حاضر است که در آن برخلاف مطالعات قبلی کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Valderrama, maria

2. Leonardo, Gambacorta

3. Leo De Hann

۵. روش تحقیق و مدل اقتصادسنجی

۵-۱. ارائه مدل

کینزی‌های جدید بر چسبندگی‌های اسمی و همچنین نواقص بازار از قبیل رقابت ناقص یا اطلاعات ناقص تأکید داشتند (منکیو و رومر^۱، ۱۹۹۱). گودفرد و کینگ^۲ (۱۹۹۷) و روتمبرگ و وودفورد^۳ (۱۹۹۸) اولین مدل چرخه‌های تجاری پولی را با استفاده از پایه‌های اقتصاد خردی در پژوهش‌های چرخه‌های تجاری حقیقی^۴ و همچنین وارد کردن مباحث رقابت ناقص و قراردادهای اسمی هم‌پوش ارائه کردند. آن‌ها ویژگی‌های کلیدی پژوهش‌های قبلی کینزی جدید در چارچوب تعادل عمومی پویا را در ادبیات چرخه‌های تجاری حقیقی وارد کردند و از این‌رو، گودفرد و کینگ این مدل را مدل سنتز نئوکلاسیک جدید^۵ نام‌گذاری کردند. در سال‌های اخیر، از این با عنوان مدل ساده و پایه‌ای کینزی جدید نام می‌برند. در دو دهه اخیر پژوهش‌های وسیعی در خصوص سازوکار انتقال سیاست پولی، ویژگی‌های تورم و طراحی سیاست‌های پولی بهینه صورت گرفته است. همچنین، نسل جدیدی از مدل‌ها طراحی شده‌اند که دربرگیرنده پیشرفت‌های نظری، پژوهش‌های تجربی و تجربه عملی سیاست‌های پولی در دو دهه اخیر هستند. رویکردهای مدل‌سازی مختلف، دارای پیشنهاد‌های سیاستی مختلف هستند. مدل‌سازی اقتصادی در سال‌های اخیر مورد بازبینی دقیق قرار گرفته است. در دو دهه گذشته، تفاوت گسترده‌ای بین مدل‌های اقتصاد کلان بزرگ مورد استفاده در بانک‌های مرکزی برای پیش‌بینی و مدل‌های تعادل عمومی کوچکتر که تحت سلطه مکتب چرخه‌های تجاری واقعی بود، وجود داشت. تمایل به سمت مدل‌های بزرگ در دهه ۱۹۷۰ از بین رفته و تمایل آشکار به سمت مدل‌های کوچک و متوسط قابل مهار و مناسب برای تجزیه و تحلیل سیاستی در مقیاس متوسط افزایش یافته است. این مدل‌های کوچک، برای سیاست‌گذاری کارای پولی در یک محیط همراه با ناطمینانی، مناسب هستند. انتقادهایی به مدل‌های بزرگتر قدیمی وارد شده که عبارتند از: فقدان پایه‌های خرد اقتصادی، نحوه شکل‌گیری انتظارات در آن‌ها، توانایی پیش‌بینی این مدل‌ها در مقایسه با مدل‌های ساده خودهمبسته برداری^۶، روش‌شناسی مربوط به این مدل‌ها و مدل‌سازی هزینه‌های کاهش عمومی قیمت‌ها برحسب زیان‌های تولید. با توجه به گفته پسران و اسمیت^۷ (۱۹۹۵) این مدل‌ها داده‌ها را نشان نمی‌دادند، نظریه را نشان

1. Mankiw & Romer

2. Goodfriend & King

3. Rotemberg & Woodford

4. Real Business Cycle

5. Neoclassical Synthesis Model

6. Vector Autoregressive

7. Pesaran & Smith

نمی‌دادند و برای اهداف عملی پیش‌بینی و سیاست ناکارا بودند. مدل‌های کینزی جدید به سرعت مورد قبول قرار گرفتند. سازوکار انتقال سیاست پولی در طراحی این مدل‌ها نقش عمده‌ای دارد و تصریح این مدل‌ها با این ایده که نقش عمده مقامات پولی ارائه یک لنگر اسمی معتبر برای انتظارات تورم است، کاملاً سازگار است. به منظور بررسی تأثیر سیاست پولی بر حجم اعتبارات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها و در واقع به منظور بررسی سازوکار مجرای وام‌دهی سیاست پولی، از مدل زیر استفاده شده است. الگوی تجربی در این مطالعه مبتنی بر مدلی است که توسط کلاریدا و همکاران (۱۹۹۸) معرفی گشته است.

(۱)

$$\ln L_{it} = \alpha_t + \phi L_{it-1} + \beta MP_{it} + \delta GDP_{it} + \gamma TFI_{it} + \varepsilon_t$$

که در آن:

$$i = 1, 2, \dots, n$$

$$t = 1380, \dots, 1391$$

n = تعداد بانک‌ها

L_t = تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک I در زمان t

MP = شاخص سیاست پولی

GDP = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

TFI = کل دارایی بانک (ویژگی خاص بانک)

یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست پولی در سایر کشورها، استفاده از مکانیسم بازار باز است که آن نیز بستگی مستقیم به نرخ بهره دارد و لذا در این کشورها، نرخ بهره می‌تواند به عنوان شاخص مناسبی از سیاست پولی تلقی شود. استفاده از اوراق قرضه به عنوان شاخص سیاست پولی در ایران به دلیل شبهه ربوی بودن با اشکال مواجه خواهد بود. از این‌رو در این پژوهش از نرخ سپرده قانونی که تأثیر مستقیمی بر عملکرد نظام بانکی کشور می‌گذارد و اوراق مشارکت (به عنوان شبه عملیات بازار باز) که شبهه ربوی بودن را ندارد، به عنوان شاخص سیاست پولی استفاده شده است. بدین منظور الگوی فوق دو بار برازش خواهد شد. در برازش اول نسبت ذخیره قانونی تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان شاخص سیاست پولی و در برازش دوم میزان انتشار اوراق مشارکت به عنوان شاخص سیاست پولی در نظر گرفته خواهد شد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این متغیر شاخص اندازه‌گیری رشد اقتصادی است. در میان شاخص‌های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نه تنها به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام اقتصاد از محصولات

جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می‌گردند. دارایی‌های بانک نماینده ویژگی خاص هر بانک مدیریت دارایی‌ها تصمیم‌گیری در انتخاب بین انواع سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص بین دارایی‌ها خواهد بود. این دارایی‌ها در موارد مختلف برای تأمین درجه نقدشوندگی، ایجاد درآمد و تأمین اعتبار برای بازار موجود در حوزه فعالیت بانک استفاده می‌شوند (جباری، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

مدل مزبور به چند دلیل برای بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور مورد استفاده واقع شده است. اولاً مدل به خوبی تصریح شده است و علاوه بر این که متغیرهای مورد نظر را وارد کرده، متغیرهای مهم دیگری را نیز در مدل استفاده کرده است. ثانیاً، ساختار مدل از نظر متغیرهای مورد استفاده با ادبیات مجرای وام‌دهی بانکی همخوانی دارد. ثالثاً، از آن‌جا که مدل مزبور در سطح مجموعه نظام بانکی کشور برآورد می‌شود و نیز به دلیل محدودیت سری زمانی مورد استفاده، مدل فوق که به روش داده‌های تابلویی^۱ ترکیب خواهد شد و به روش گشتاورهای تعمیم یافته تخمین‌زده خواهد شد، می‌تواند از نظر اقتصادسنجی به بهترین نتایج منتهی شود و راجعاً این مدل در مطالعات بسیاری از کشورها مورد استفاده واقع شده و دلیل موجهی برای کارایی مدل می‌باشد.

در این پژوهش، تأثیر سیاست پولی بر عرضه تسهیلات قرض‌الحسنه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بدین منظور متغیرهای تسهیلات قرض‌الحسنه، رشد تولید ناخالص داخلی، نسبت ذخیره قانونی، میزان انتشار اوراق مشارکت و کل دارایی‌های بانک‌ها طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ مورد استفاده قرار گرفت. تسهیلات قرض‌الحسنه شامل کل تسهیلات پرداختی قرض‌الحسنه از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز توسط بانک‌های تخصصی دولتی، تجاری دولتی و بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی است. داده‌های مربوط به این متغیر از مرکز داده‌های سری زمانی بانک مرکزی استخراج شده است. داده‌های نسبت ذخیره قانونی مربوط به هر کدام از بانک‌ها از مرکز داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی گردآوری شده است. داده‌های مربوط به انتشار اوراق مشارکت (اوراق مشارکت منتشر شده توسط بانک مرکزی) و کل دارایی بانک‌ها از سالنامه‌های آماری بانک مرکزی استخراج گردیده است. داده‌های مربوط به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳) از داده‌های مربوط به حساب‌های ملی منتشر شده توسط بانک مرکزی استخراج گردیده است.

۵-۲. روش تحقیق

روش داده‌های تابلویی روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی و سری زمانی است. مزیت این روش در این است که معمولاً روش‌های سنتی اقتصادسنجی بر سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی،

1. Panel Data

ناهمانگی‌های مربوط به این واحدها یا گروه‌ها را لحاظ نمی‌کنند و نتایج دارای ریسک تورش‌دار بودن است. این نوع ناهمگنی‌ها در روش داده‌های تابلویی، کنترل نمودن خواص ناهمگن و در نظر گرفتن تک تک افراد، شرکت‌ها، ایالت و کشورها است. در حالی که مطالعات مقطعی و سری زمانی این ناهمگنی را کنترل نکرده و با تخمین الگو بدان روش‌ها، بیم ارباب در نتایج می‌رود. در واقع با استفاده از داده‌های ترکیبی، شناسایی و اندازه‌گیری تأثیراتی که به ساده‌گی در داده‌های مقطعی و سری زمانی قابل شناسایی نیست، امکان پذیر می‌شود (هسیاو^۱، ۲۰۰۳).

وجود وقفه درون یک معادله رگرسیونی از سه طریق جزء خطا، مقادیر وقفه دار متغیر وابسته و مقادیر وقفه دار متغیرهای توضیحی نمود می‌یابد. رگرسیون با اجزای خطای پویا هنگامی مطرح می‌شود که متغیر وابسته وقفه‌داری در میان برازش‌گرها حضور داشته باشد. یعنی:

$$Y_{it} = \theta Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

روش حداقل مربعات به‌طور مستقیم در مدل فوق قابل کاربرد نمی‌باشد. این موضوع ناشی از دو علت است: اول به لحاظ وجود متغیر توضیحی استوکاستیک و دوم به لحاظ امکان وجود همبستگی سریالی در اجزاء اخلاص. روش گشتاورهای تعمیم یافته تخمین زننده قدرتمندی است که نیاز به اطلاعات دقیق توزیع جملات اخلاص ندارد. روش مزبور که در داده‌های تلفیقی پویا به کار گرفته می‌شود، مبتنی بر این فرض است که جملات اخلاص در معادلات با مجموعه متغیرهای ابزاری غیرهمبسته می‌باشد. مدل‌های اثرات ثابت یا تصادفی به لحاظ آن که ممکن است جمله خطا با متغیرهای تأخیری، همبستگی داشته باشد، می‌تواند منجر به ارائه برآوردگر ناسازگار و یا تورش‌داری شود (بالتاچی^۲، ۲۰۰۵). در چنین شرایطی لازم است از روش‌های حداقل مربعات دو مرحله‌ای^۳ یا روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده شود.

ماتياس و سوستر^۴ (۱۹۹۱) معتقدند که برآورد حداقل مربعات دو مرحله‌ای ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، منجر به محاسبه واریانس بزرگ برای ضرایب شده و در نهایت باعث شود که برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشند. برای حل این مشکل روش گشتاورهای تعمیم یافته توسط آرلانو و بوند^۵ (۱۹۹۱) پیشنهاد شد. روش گشتاورهای تعمیم یافته به واسطه انتخاب متغیرهای ابزاری صحیح و با اعمال یک ماتریس وزنی می‌تواند برای شرایط ناهمسانی واریانس و نیز خودهمبستگی‌های ناشناخته، برآوردکننده قدرتمندی محسوب شود (مشکی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

۶. نتایج تجربی

1. Hsiao, C.
2. Baltagi, H. B.
3. 2 Stage Least Squares (2SLS)
4. Matyas & Sevestre
5. Arellano, M. & Bond, S.

پیش از برآورد الگو، ایستایی متغیرها بررسی شده است. برخلاف آنچه در مورد داده‌های سری زمانی مرسوم است، در مورد داده‌های تابلویی، نمی‌توان برای آزمون مانایی از آزمون‌های دیکی-فولر و دیکی-فولر تعمیم یافته استفاده نمود، بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. برای این منظور، در این مطالعه از آزمون *Hardi Test* استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است. فرضیه صفر این آزمون، بیان‌گر نامانایی متغیرها است. بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده نشان‌گر رد فرضیه‌ی صفر مبنی بر نامانایی متغیرها بوده است.

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی متغیرها

نام متغیر	Hardi
L	۳/۳۱ (۰/۰۰)
GDP	۳/۱۳ (۰/۰۰)
MP (ذخیره قانونی)	۲/۸۶ (۰/۰۰)
TFI	۳/۲۸ (۰/۰۰)
MP (اوراق مشارکت)	۳/۳۵ (۰/۰۰)

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از تخمین اثر سیاست پولی بر تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها در جداول (۲) و (۳) آمده است.

جدول ۲: نتایج حاصل از تخمین مدل اول (شاخص سیاست پولی: نرخ ذخیره قانونی)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال خطا
C	۱۰/۰۶	۱۸/۸۶	۰/۰۰
L(-1)	۴/۹۴	۲/۶۳	۰/۰۱
GDP	۰/۰۰۵	۰/۱۴	۰/۸۸
MP	-۰/۲۰	-۶/۸۵	۰/۰۰
TFI	۱/۹۱	۶/۵۲	۰/۰۰
J-statistic		$R^2 = 0/87$	
۶/۵۸ (۰/۰۱۰)			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج جدول (۲) ملاحظه می‌شود که شاخص سیاست پولی (نسبت ذخیره قانونی) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر مانده تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها دارد. به عبارت دیگر، هرچه نسبت ذخیره قانونی بیش‌تر می‌شود مانده تسهیلات قرض‌الحسنه کاهش خواهد یافت. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، یک درصد افزایش در نسبت ذخیره قانونی باعث می‌شود مانده تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها ۰/۲ درصد کاهش بیابد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارای تأثیر مثبت و بی‌معنی است. ضریب دارایی‌های بانک دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها دارد. سازگاری تخمین زنده‌های گشتاورهای تعمیم یافته به معتبر بودن ابزارها وابسته است. آماره‌ای که در الگوی گشتاورهای تعمیم یافته از اهمیت بالایی برخوردار است آماره J-statistic است. احتمال خطای این آماره در این تحقیق برابر ۰/۰۱ بوده و این نشان‌گر این مطلب است که متغیرهای ابزاری به کار رفته مناسب بوده است (محدوده مناسب کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد).

جدول ۳: نتایج حاصل از تخمین مدل دوم (شاخص سیاست پولی: انتشار اوراق مشارکت)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال خطا
C	۷/۲۰	۱۵/۳۴	۰/۰۰
L(-1)	۷	۴/۲۱	۰/۰۰
GDP	۰/۱۲	۲/۴۵	۰/۰۲
MP	-۹/۵۷	-۴/۲۵	۰/۰۰
TFI	۲/۱۷	۸/۰۴	۰/۰۰
	J-statistic	R² = 0/80	
			۷/۷۶ (۰/۰۲)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۳) ملاحظه می‌شود که شاخص سیاست پولی (انتشار اوراق مشارکت) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر مانده تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها دارد. به عبارت دیگر، به ازای افزایش یک واحد در انتشار اوراق مشارکت مانده تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه بانک‌ها به میزان ۹/۵۷ درصد کاهش خواهد یافت. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و دارایی‌های بانک دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر متغیر وابسته هستند. با توجه به آماره J-statistic مشاهده می‌شود که متغیرهای ابزاری به کار رفته در تخمین این مدل مناسب بوده است.

نتیجه‌گیری

در اسلام بیش از دیگر ادیان آسمانی نسبت به برآوردن نیازمندان (مواردی همچون ازدواج، مسکن، اشتغال) توصیه شده است که یکی از راه‌های برآورد نیاز، دادن قرض‌الحسنه است. از این‌رو، مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن می‌کنند که اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین، تفاوت آشکار قرض‌الحسنه با مواردی همچون خرید و فروش، اجاره، مشارکت که با انگیزه سود است آشکار می‌گردد. قرض‌الحسنه موجب می‌شود فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یابد. از این‌رو، می‌توان گفت نظام اقتصاد اسلام قرض‌الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است تا با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه‌های مناسب بتواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود گام بلندی را بردارد. از نتایج دیگر به دست آمده از نهاد قرض‌الحسنه می‌توان به آثار مثبت قرض‌الحسنه در تأمین نیازهای اجتماعی، مصرف اشاره نمود.

هدف این مقاله بررسی اثر سیاست پولی بر اعتبارات اعطایی قرض‌الحسنه بانک‌ها بوده است. برای این منظور میزان کل تسهیلات قرض‌الحسنه پرداختی شبکه بانکی انتخاب و با انجام آزمون‌های لازم در چارچوب داده‌های تابلویی با روش گشتاورهای تعمیم یافته برآورد مدل انجام شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل، رابطه منفی و معناداری را بین سیاست پولی و عرضه تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران نشان داده است. با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها می‌توان توصیه‌های سیاستی زیر را ارائه نمود:

با توجه به این که نسبت ذخیره قانونی دارای اثر منفی و معنادار بر روی تسهیلات قرض‌الحسنه است، جهت افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه می‌توان این نسبت را کاهش داد. اما به خاطر قدرت خلق پول بانک‌ها این کاهش نسبت منجر به افزایش رانت بانک‌ها خواهد شد و توزیع درآمد را بدتر می‌کند. هرچند این کاهش نسبت برای افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه مؤثر است اما چون تسهیلات قرض‌الحسنه هدف توزیعی دارد این کاهش نسبت ذخیره قانونی، به هدف آسیب می‌زند در نتیجه مؤکداً توصیه نمی‌شود.

با توجه به این که عملیات بازار باز مهم‌ترین ابزار سیاست پولی در بانکداری کلاسیک است و با در نظر گرفتن این موضوع که استفاده از اوراق قرضه مغایر با شرع اسلام است، می‌توان از اوراق مشارکت به عنوان عملیات بازار باز استفاده کرد. انضباط مالی دولت و روی آوردن کم‌تر بانک مرکزی به فروش اوراق مشارکت و در اختیار گذاشتن منابع به دست آمده به دولت و بازخرید اوراق

مشارکت قبلاً فروخته شده، خود به خود مشوق و رواج‌دهنده عرضه تسهیلات قرض الحسنه توسط بانک‌ها است.

منابع

۱. احمدی، علی محمد، محمدغفاری، حسن و رضا وفایی یگانه (۱۳۸۷)، "بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد"، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. امام خمینی (۱۳۶۵)، تحریر الوسیله، بی جا: مکتب العلمیه الاسلامیه، جلد اول.
۳. بانک مرکزی، قانون عملیات بانکی بدون ربا.
۴. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
۵. جباری، الناز (۱۳۸۹)، "بررسی میزان اثربخشی نرخ ذخیره قانونی و دارایی های بانک ها بر روی تسهیلات اعطایی بانک ها (با استفاده از روش برآورد GMM)"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
۶. حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۱)، "قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی"، فصلنامه مفید، شماره ۳۱، صص ۳۵-۵.
۷. حقیقی، ایمان (۱۳۸۵)، "مدل سازی مکانیسم انتقال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا (مورد ایران) با روش گشتاورهای تعمیم یافته"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۸. دادگر، یدالله (۱۳۸۰)، اقتصاد بخش عمومی، قم: دانشگاه مفید، چاپ اول.
۹. رضایی، ابراهیم و مریم جلیلی (۱۳۸۹)، "نگرشی بر تأثیر سیاست پولی از کانال اعتبارات سیستم بانکی در اقتصاد ایران"، مجموعه مقالات بیست و یکمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی.
۱۰. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسین (۱۴۰۸)، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه، جلد دوم.
۱۱. فرزین و ش، اسدالله و حسن حیدری (۱۳۸۹)، "ارزیابی تأثیر غیرمستقیم سیاست پولی بر عرضه تسهیلات بانکی از طریق ویژگی های ترازنامه ای بانک های دولتی و غیردولتی"، فصلنامه تحقیقات مدل سازی، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۴۵.
۱۲. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۳)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. گریفین، کیت و تری مک کنلی (۱۳۷۷)، توسعه انسانی (دیدگاه و راهبرد)، ترجمه: غلامرضا خواجه پور، تهران: و داد، چاپ اول.
۱۴. لطفی، علی اصغر و مهدی تقوی (۱۳۸۴)، "بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور (طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۷۴)"، فصلنامه پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۰، صص ۱۶۵-۱۳۱.

۱۵. مشکى، مهدى (۱۳۹۰)، "تعيين عوامل مؤثر بر عملکرد شركت‌هاى بورسى با استفاده از روش گشتاورهاى تعميم يافته (GMM) و حداقل مربعات تعميم يافته برآوردى (EGLS)"، مجله پيشرفت‌هاى حسابدارى، دوره سوم، شماره اول، صص ۹۱-۱۱۹.
۱۶. منتظرظهور، محمود (۱۳۶۷)، اقتصاد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۱۷. نظريان، رافيك، فرهادى پور، محمدرضا و على فرجى (۱۳۹۲)، "تأثير رقابت در صنعت بانكدارى بر اثربخشى انتقال آثار سياست پولى از طريق كانال وام‌دهى بانك"، فصلنامه روند، سال بيستم، شماره‌هاى ۶۱ و ۶۲، صص ۷۴-۴۳.
۱۸. هادوى نيا، على اصغر (۱۳۸۰)، "اوراق قرض‌الحسنه"، فصلنامه تخصصى اقتصاد اسلامى، شماره ۴، صص ۸۳-۱۰۴.
۱۹. هادوى نيا، على اصغر (۱۳۷۸)، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادى آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.
20. Arellano, M. and Bonds, C. (1991), "Some Tests of Specification for Panel Data: Mont Carlo evidence and an Application to Employment Equations", Review Economics and Statistics, No, 58, pp 277-297.
21. Baltagi, H.B. (2005), "Econometric Analysis of Panel Data", 3rd Edition, New York: John Wiley & Sons Ltd.
22. Bernanke, B. (1993), "How Important is the Credit Channel in the Monetary Policy", A comment: Carnegie-Rochester Conference series on public policy 39, North Holland, 47-52.
23. Bernanke, B. and Blinder, A. (1992), "The Federal Funds Rate and Channels of Monetary Transmission", American Economic Review, vol 82, No, 2, pp 901-921.
24. Bernanke, B. and Gertler, M. (1995), "Inside the Black Box; the Credit Channel of Monetary Policy Transmission", Journal of Economic Perspective, vol 9, pp 27-48.
25. Clarida, R. Gali, J. and Gertler, M. (1998), "Monetary Policy Rules in practice: some international evidence", Series, Working Paper, No, 104, pp 1033-1067.- Goodfriend, M. & King, R. (1997), "The New Neoclassical Synthesis and The Role of Monetary Policy", NBER Macroeconomics Annual, Vol. 12, pp 231-296.
26. Holtz-Eakin, D. and Newey, W. and Rosen, H.S. (1988), "Estimation vector autoregression with Panel Data", Econometrica, No, 56.
27. Hsiao, C. (2003), "Autoregression Modeling and Money-Income Casualty Detection", Journal of Monetary Economics, Vol, 1.
28. Leo De Hann. (2001), "The credit channels in the Netherlands: Evidence from Bank Balance Sheets", internet.

29. Leonardo Gambacorta. (2001), "Bank-Specific Characteristics & Monetary Policy Transmission : the case of Italy", internet.
30. Mankiw, G. & Romer, D. (1991), "New Keynesian Economic", Vol, 1&2, MIT Press.
31. Mishkin, F.S. (1995), "Symposium on the Monetary Transmission Mechanism", Journal of Economic Perspective, vol4, No,2, pp 3-10.
32. Pesaran, M.H. & Smith, R. (1995), "Estimating Long Run Relationship from Dynamic Heterogeneous Panels", Journal of Econometrics, Vol, 68, pp 79-113.
33. Rotemberg, J.J. & Woodford, M. (1998), "An Optimization-Based Econometric Framework for The Evaluation of Monetary Policy", NBER Macroeconomics Annual 1997, MIT Press, pp 297-361.
34. Sengonol, A. and Thorbeck, W. (2005), "The Effect of Monetary Policy on Bank Lending in Turkey", Applied Financial Economics, vol 1, No, 15, pp 931-934.
35. Taylor, J.B. (1995), "The Monetary Transmission Mechanism: An Empirical Framework", Journal of Economic Perspective, vol 9, No 4, pp 11-26.
36. Valderrama, M. (2001), "Credit Channel and Investment Behavior in Austria: A Micro- Econometric Approach", Internet.

